

رابطه بین مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی

دکتر امید فرهادتوسکی

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.
farhadi_omid58@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی برای شرکت‌های تولیدی فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ استفاده شده است. در این پژوهش اندازه شرکت حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و حق الزحمه شرکت حسابرسی (ریسک حسابرسی) به عنوان متغیر وابسته و مالکیت مدیریتی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد و یا بیشتر از ۲۰ درصد) بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان منافع مالکیت مدیریتی در یک شرکت می‌تواند بر انگیزه‌های مدیریت در مورد نوع و کیفیت حسابداری تأثیر بگذارد. این می‌تواند بر تمایل شرکت‌ها برای حسابرسی با کیفیت بالاتر و ارزیابی ریسک مشتری توسط حسابرسان تأثیر بگذارد.

واژگان کلیدی: مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی، فرضیه همگرایی منافع مدیریت، فرضیه استحکام منافع مدیریت.

مقدمه

این پژوهش بررسی می‌نماید که آیا مالکیت مدیریتی بر اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه شرکت حسابرسی تأثیرگذار است. ادبیات مالی نشان می‌دهد که سطح مالکیت مدیریتی نشان دهنده دو مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران است (مورک، شلیفر، و ویشنی، ۱۹۸۸). اول، در شرایطی که مالکیت مدیریتی در سطوحی قرار دارد که منافع مدیریت با منافع سهامداران همسو باشد، به عنوان منطقه همگرایی منافع مالکیت مدیریت تعریف می‌شود، به طوری که مدیران با سهام کمتر انگیزه‌های ضعیف‌تری برای فعالیت در تضاد با منافع سهامداران دارند. دوم، وقتی مالکیت مدیریتی در

سطوحی باشد که منافع مدیریت با سهامداران همسو نباشد، اثر استحکام مدیریت نامیده می‌شود و به گونه‌ای است که مدیرانی که سهام بیشتری دارند، کنترل بیشتری بر شرکت داشته و بنابراین انگیزه‌هایی برای مدیریت وجود دارد که رفتارهایی را برای افزایش ثروت شخصی خود در ازای هزینه‌های سهامداران انجام دهد (هولدرنس و شیپان، ۱۹۹۱). تئوری نمایندگی بیان می‌کند که این مشکلات نمایندگی، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا را افزایش می‌دهد (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۳).

برخی از پژوهش‌های حسابرسی، رابطه بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی را بررسی کرده‌اند. فرانسیس و ویلسون (۱۹۸۸) ارتباط معناداری بین مالکیت مدیریتی و تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالاتر پیدا نکردند، در حالی که دفوند (۱۹۹۲) ارتباط منفی ضعیفی بین این متغیرها پیدا کرد. این پژوهش نیز فرض می‌کند شرکت‌های بزرگ حسابرسی حسابرسی‌های با کیفیت بالاتر را ارائه می‌دهند. پیش‌بینی تئوری نمایندگی با بررسی ارتباط بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی آزمون می‌شود. پژوهش‌های موجود در رابطه با انتخاب حسابرس از مالکیت مدیریتی برای بیان مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران استفاده می‌کند و آن‌ها از اندازه شرکت حسابرسی به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی استفاده می‌کنند. این پژوهش‌ها فرض می‌کنند که با کاهش مالکیت مدیریتی، مدیران انگیزه‌های ضعیف‌تری برای فعالیت در راستای منافع سهامداران خارجی دارند، که تقاضا برای شرکت‌های حسابرسی با کیفیت بالا را افزایش می‌دهد. بنابراین این پژوهش‌ها پیش‌بینی می‌کنند که اثر همگرایی منافع منجر به ارتباط منفی بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی می‌شود. شواهد تجربی این پژوهش‌ها حمایت قوی از ارتباط منفی پیش‌بینی شده را ندارند (فرانسیس و ویلسون، ۱۹۸۸؛ دفوند، ۱۹۹۲). لنوکس (۲۰۰۵) دریافت که رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی در منطقه همگرایی منافع مدیریتی منفی و در منطقه استحکام منافع مدیریتی مثبت است.

جریان دیگری از پژوهش‌های حسابرسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی را تجزیه و تحلیل کرد. اوسولیوان (۲۰۰۰) دریافت که شرکت‌های با سطح بالاتری از مالکیت سهام مدیریتی، هزینه‌های حسابرسی کمتری را پرداخت می‌کنند. گوتی، هان، هیگز و کانگ (۲۰۱۲) برای گسترش این تحقیقات نمونه‌ای از شرکت‌های فهرست شده در ایالات متحده استفاده کرده و دریافت که وقتی مالکیت مدیریتی در سطحی است که منافع مدیریت و سهامداران با هم منطبق هستند، مالکیت مدیریتی با هزینه‌های حسابرسی کمتری همراه است. لین و لیوو (۲۰۱۳) رابطه بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی را برای شرکت‌های بورسی در هنگ کنگ بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها مطابق با یافته‌های گوتی و هکاران (۲۰۱۲)، نشان‌دهنده رابطه معکوس بین مالکیت مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی در منطقه همگرایی منافع مدیریتی بود، علاوه بر این، پژوهش خود را با یافتن رابطه مثبت بین این متغیرها در منطقه استحکام منافع مدیریتی گسترش دادند.

هدف این پژوهش ارائه تجزیه و تحلیل توصیفی و تجربی اهمیت اندازه شرکت حسابرسی به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه شرکت حسابرسی به عنوان معیاری از ریسک حسابرسی و مالکیت مدیریتی به عنوان معیاری از ساختار مالکیت است. مطالعات زیادی درباره این موضوع انجام شده است و پژوهشگران از معیارهای مختلفی برای بررسی کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. بدون شک رابطه بین مالکیت مدیریتی با اندازه شرکت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی یکی از مهمترین موضوعات قابل بررسی است. با این حال، مطالعات اولیه عمدتاً توصیفی و بر کشورهای توسعه یافته متمرکز بود. در نتیجه، کمبود مطالعات تجربی بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی با کیفیت حسابرسی و ریسک حسابرسی شرکت‌های فعال کشورهای در حال توسعه احساس می‌شد. در این راستا، پیشینه پژوهش به شکافی اشاره دارد که در آن سطوح مختلف مالکیت مدیریتی بر کیفیت حسابرسی و ریسک حسابرسی تاثیر متفاوتی دارد. برای برطرف کردن شکاف موجود در پیشینه حسابداری و حسابرسی، این پژوهش این سوال را مطرح می‌نماید که اهمیت

رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی چیست؟ اهمیت رابطه بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی به عنوان معیاری از ریسک حسابرسی چیست؟ بنابراین هدف این پژوهش آن است که با بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی شکاف موجود را پوشش دهد. مطابق با پژوهش‌های گذشته، در این پژوهش، برای اندازه‌گیری متغیر مستقل مالکیت مدیریتی از درصد سهام در اختیار مدیریت استفاده شده است. برای اندازه‌گیری متغیر مستقل کیفیت حسابرسی از اندازه شرکت حسابرسی و برای اندازه‌گیری متغیر ریسک حسابرسی از حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر از این نظریه پشتیبانی می‌کند که مالکیت مدیریتی بر اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد و بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی و بین مالکیت مدیریتی و ریسک حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از این رو نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد و یا بیشتر از ۲۰ درصد) بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد.

انتظار بر آن است تا نتایج این پژوهش چندین دستاورد علمی داشته باشد. اول این که نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با کیفیت حسابرسی، ریسک حسابرسی و مالکیت مدیریتی گردد. دوم این که پژوهش حاضر شواهد نسبتاً جدیدی را با آزمون رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه شرکت حسابرسی فراهم نمود. این شواهد نشان داد که شرکت‌های با مالکیت مدیریت پایین توسط شرکت حسابرسی بزرگ و با حق الزحمه بالا، حسابرسی می‌شوند. سوم این که دستاورد علمی آن می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار استانداردها و حساب‌رسان قرار دهد تا بتوانند استانداردهای کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در مورد کیفیت حسابرسی و ریسک حسابرسی و عوامل موثر بر آن نیز پیشنهاد نماید.

ادامه پژوهش حاضر بدین صورت سازماندهی شده است: بخش دوم شامل پیشینه و فرضیه‌های پژوهش، بخش سوم شامل روش‌شناسی پژوهش، بخش چهارم شامل نتایج تجربی پژوهش، و بخش پنجم شامل بحث و نتیجه‌گیری پژوهش است.

پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

نظریه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد تفکیک مالکیت و کنترل در شرکت‌های مدرن می‌تواند اساس ایجاد مشکلات نمایندگی بین مدیران و نمایندگان باشد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ فاما، ۱۹۸۰؛ جنسن، ۱۹۸۶). این مشکلات را می‌توان با مکانیسم‌های مختلف از جمله حسابرسی مستقل (یا قانونی) و روش‌های دیگر، که به دنبال سازگاری منافع سهامداران و مدیران است، کاهش داد (اوسولیوان، ۲۰۰۰)، مانند مالکیت مدیریتی (فرگوسن و ماتولسی، ۲۰۰۴؛ لیندن و ماتولسی، ۲۰۰۴؛ هی، کنچل و وونگ، ۲۰۰۶؛ گریفین، لونت و سان، ۲۰۰۸؛ هی، کنچل و وونگ، ۲۰۰۸). زمینه‌های تحقیقاتی که با این مقاله در ارتباط هستند عبارتند از: حسابرسی مستقل (اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی)، مالکیت مدیریتی، مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی، مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی.

حسابرسی مستقل: اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه شرکت حسابرسی

هدف اصلی حسابرسی مستقل اطمینان بخشی نسبت به این موضوع است که مدیریت بر اساس منافع سهامداران عمل می‌کند (هیلیار، لیون، مونرو، نگ، و وودلایف، ۱۹۹۶؛ اوسولیوان، ۲۰۰۰؛ نیکینین و ساهلستروم، ۲۰۰۴). حسابرسان با نظارت و تایید اقدامات انجام شده توسط مدیریت از طریق گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک، به این هدف دست می‌یابند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۳؛ فرانسیس و ویلسون، ۱۹۸۸؛ چوی، کیم، لیوو، و سیمونیک، ۲۰۰۸؛ چوی، کیم، کیم، و زانگ، ۲۰۱۰).

با این حال، مشاهده یا اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی دشوار است، بنابراین اندازه شرکت حسابرسی اغلب به عنوان یک معیاری از کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود (فرانسیس و ویلسون، ۱۹۸۸؛ دفوند، ۱۹۹۲؛ اوسولیوان، ۲۰۰۰). پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که شرکت‌های حسابرسی بزرگ نسبت به شرکت‌های حسابرسی کوچک، حسابرسی با کیفیت بالاتری را انجام می‌دهند. این امر عموماً ناشی از سرمایه‌گذاری بیشتر در تخصص حسابرسی است که شرکت‌های بزرگتر حسابرسی نسبت به شرکت‌های کوچکتر حسابرسی انجام می‌دهند (کراول، فرانسیس و تیلور، ۱۹۹۵؛ فرگوسن، فرانسیس، و استکس، ۲۰۰۳؛ فرانسیس، ریچلت، و وانگ، ۲۰۰۵؛ راینسبوری، برادبوری، و کاهان، ۲۰۰۹). پژوهش‌های موجود حسابرسی همچنین نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی که توسط حسابرسان از مشتری دریافت می‌شود، مستقیماً با تلاش حسابرسی و ارزیابی ریسک مشتری توسط حسابرس ارتباط دارد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ گول، ۱۹۹۹؛ گول و تسوی، ۲۰۰۱؛ فرگوسن و ماتولسی، ۲۰۰۴؛ لوینتیس، ویتمن، و کارامانیک، ۲۰۰۱).

مالکیت مدیریتی

تئوری نمایندگی بیان می‌کند که مالکیت مدیریتی می‌تواند به عنوان مکانیسمی برای افزایش همسویی منافع مدیران با سهامداران استفاده شود. مالکیت مدیریتی می‌تواند انگیزه‌هایی برای حل تعارضات نمایندگی‌ها ایجاد کند و همچنین منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ اوسولیوان، ۲۰۰۰؛ لارکر و ریچاردسون، ۲۰۰۴؛ دسندر، آگولرا، کریسپی، و گارسا-سسوتونا، ۲۰۱۳).

همسویی منافع بین مدیران و سهامداران با فرضیه همگرایی منافع توصیف شده است (مورک و همکاران، ۱۹۸۸). بر این اساس، با افزایش مالکیت مدیران در شرکت، هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد (فاما، ۱۹۸۰؛ فلدمن و اسپارزکوف، ۲۰۰۳؛ چاو و لیونگ، ۲۰۰۶). سرمایه‌گذاران برون سازمانی اعتقاد دارند که مدیران با سهام بزرگ تمایل به حداکثر کردن عملکرد و ارزش شرکت را دارند (فان و وانگ، ۲۰۰۲؛ آبوت، پارکر، پترز، و راقوناندان، ۲۰۰۳).

علاوه بر پیامدهای فرضیه همگرایی منافع مدیریت، در نظر گرفتن فرضیه استحکام منافع مدیریت نیز مفید است زیرا درک پیامدهای مالکیت مدیریتی برای رفتار مدیریت مفید و انگیزه‌های اساسی مدیریت را افزایش می‌دهد. بر این اساس، فرضیه استحکام منافع مدیریت حاکی از آن است که در برخی از سطوح مالکیت مدیریتی، مدیریت دارای قدرت رأی کافی یا کنترل هیئت مدیره برای حفاظت از موقعیت خود در برابر اقدامات انضباطی از طرف هیئت مدیره یا بازارهای کار است، حتی اگر عملکرد آنها به زیر سطح قابل قبول برسد (برگر، اوفک، و یرماک، ۱۹۹۷؛ فارینها، ۲۰۰۳). اما افزایش مالکیت مدیریتی، اثر استحکام منافع مدیریت را افزایش داده که باعث اتخاذ تصمیم‌هایی از طرف مدیریت می‌شود که منافع شخصی مدیریت را از طریق سلب مالکیت سهامداران اقلیت افزایش می‌دهد (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷؛ مورک و همکاران، ۱۹۸۸؛ هیمبلرگ، هوبارد، و پالیا، ۱۹۹۹؛ هو و وونگ، ۲۰۰۱؛ کیم و لیو، ۲۰۱۱).

بنابراین، فراتر از یک نسبت خاص از مالکیت مدیریتی، اثر انگیزشی که توسط فرضیه استحکام منافع مدیریت پیشنهاد شده است، ممکن است فرضیه همگرایی منافع مدیریت را جبران کند. یعنی تعارض منافع که بین سهامداران بزرگ و

خرد بوجود می‌آید بیش از تعارض منافع بین مالک و مدیر است. بر این اساس، فرضیه استحکام منافع مدیریت رابطه منفی بین مالکیت داخلی و عملکرد شرکت را پیش بینی می‌کند. تأثیرات متناقض انگیزه فرضیه‌های همگرایی منافع و استحکام منافع منجر به رابطه غیر خطی مالکیت مدیریتی و ارزش شرکت می‌شود (شورت و کیاسی، ۱۹۹۹؛ ناویسی و نایکر، ۲۰۰۶). به عنوان مثال، مورک و همکاران (۱۹۸۸) یک رابطه معکوس U شکل بین مالکیت مدیریت و ارزش شرکت پیدا کردند. بر این اساس، فرضیه همگرایی منافع مدیریت برای مناطق دارای مالکیت مدیریتی کوچکتر و بزرگتر در نظر گرفته می‌شود. مورک و همکاران (۱۹۸۸) دریافتند که مالکیت مدیریتی با ارزش شرکت رابطه مثبت دارد تا زمانی که مدیریت به استحکام منافع می‌رسد، تقریباً با ۵ درصد، و مجدداً در سطوح مالکیت مدیریتی بیش از ۲۵ درصد، زیرا منافع مدیران با منافع سهامداران برون سازمانی منطبق می‌شود. در مقابل، بین سهامداری مدیریتی و عملکرد تقریباً بین ۵ تا ۲۵ درصد، منطقه استحکام منافع مالکیت مدیریتی، رابطه معکوس وجود دارد (مورک و همکاران، ۱۹۸۸). در این منطقه، مدیران قدرت چانه‌زنی قوی‌تری دارند که می‌تواند آن‌ها را قادر به پیگیری منافع شخصی با هزینه سهامداران دیگر نماید، و احتمالاً منجر به تصمیم‌ها و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران گردد. یافته‌های مورک و همکاران (۱۹۸۸) مطابق با بسیاری از پژوهش‌های دیگر است (مک کانل و سرواس، ۱۹۹۰؛ شولی و بارنی، ۱۹۹۴؛ کول، ۱۹۹۵؛ شورت و کیسی، ۱۹۹۹؛ میگل، پیندادو، و تور، ۲۰۰۴؛ دیویس، هیلیر، و مک‌کلگان، ۲۰۰۵).

مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی: دیدگاه مشتری

یکی از راه‌های کاهش ریسک شرکت‌های مشتری حسابرسی، انتخاب حسابرس مناسب است (لنوکس، ۲۰۰۵). مشتریانی که دارای مدیران با استحکام منافع هستند حسابرسی با کیفیت بالاتر را از شرکت‌های بزرگ حسابرسی جهت افزایش اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی و آگاهی بخشی سود ترجیح می‌دهند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ مورک و همکاران، ۱۹۸۸؛ شلیفر و وویسنی، ۱۹۹۷؛ بل، لاندسمن، و شاکلفوژد، ۲۰۰۱؛ چان، لین، و ژانگ، ۲۰۰۷). در مقابل، پژوهش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد احتمالاً در شرکت‌های مشتری حسابرسی با همگرایی منافع مدیریت که در آن‌ها منافع مدیران با سهامداران همسو است، ترجیح مذکور ضعیف‌تر است، زیرا احتمال ریسک رفتارهای فرصت طلبانه در این شرکت‌ها کمتر است. این بدان معنی است که این مشتریان انگیزه‌های کمتری برای پرداخت هزینه بالا برای خدمات با کیفیت بالاتر حسابرسی شرکت‌های حسابرسی بزرگ را دارند.

از آنجا که اندازه شرکت حسابرسی معیاری از کیفیت حسابرسی است، بنابراین می‌توان انتظار داشت در شرکت‌های دارای استحکام منافع مالکیت مدیریت، بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی رابطه مثبت وجود داشته باشد. در مقابل، انتظار می‌رود رابطه بین این متغیرها در شرکت‌هایی با همگرایی منافع مالکیت مدیریتی، ضعیف‌تر باشد.

مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی: دیدگاه حسابرس

از منظر دیدگاه حسابرس، با توجه به این که مالکیت مدیریتی در چه منطقه‌ای قرار گرفته است ممکن است بر ارزیابی حسابرس از ریسک مشتری تأثیر بگذارد که در نهایت بر حق الزحمه حسابرسی اعمال می‌شود (لین و لیو، ۲۰۱۳). وقتی مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام منافع مالکیت مدیریت قرار داشته باشد، ریسک ذاتی تحریف‌های اساسی در صورت‌های مالی احتمالاً متفاوت از ریسک در هنگام همگرایی منافع مالکیت مدیریت است. به طور خاص، مدیران با منافع مستحکم، انگیزه و دامنه بیشتری برای رفتار فرصت طلبانه دارند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۳؛ لنوکس، ۲۰۰۵). بر این اساس ممکن است اطلاعات صورت‌های مالی گزارش شده توسط شرکت‌هایی با مدیران مستحکم لزوماً ارزش اقتصادی بنیادی شرکت را منعکس نکند (به عنوان مثال، ارزش شرکت ممکن است بیشتر از ارزش واقعی گزارش شود). بنابراین،

انتظار می‌رود ریسک خاص مشتری ارزیابی شده توسط حسابرسان احتمالاً با افزایش مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام منافع مالکیت مدیریت، افزایش یابد (نیمی، ۲۰۰۵؛ شان و تروشانی، ۲۰۱۴؛ شان، تروشانی، و ریچاردسون، ۲۰۱۵؛ دیولمن، هارویتز، و سان، ۲۰۱۵؛ شان و تروشانی، ۲۰۱۶).

ادبیات پژوهش حاکی از آن است که وقتی مالکیت مدیریتی در مناطق همگرایی منافع مالکیت مدیریت قرار دارد، مدیران تمایل کمتری به انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه دارند. تحت این شرایط، مدیران انگیزه دارند در پی فعالیت‌هایی باشند که برای شرکت ارزش افزوده ایجاد نماید و همچنین اطلاعات با کیفیت و ارزش‌های مربوط در صورت‌های مالی گزارش شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ گل، چن، و تسوی، ۲۰۰۳؛ چنگ و وارفیلد، ۲۰۰۵).

این نشان می‌دهد که با افزایش مالکیت مدیریتی در این مناطق، ریسک ذاتی تحریف‌های اساسی در صورت‌های مالی احتمالاً کاهش می‌یابد. در نتیجه، حسابرسان ممکن است سطح کمتری از ریسک خاص مشتری و کاهش کلی در تلاش حسابرسان را انتظار داشته باشند (سیمونیک و استین، ۱۹۹۶؛ بل و همکاران، ۲۰۰۱؛ کوهن، کریشنامورتی، و رایت، ۲۰۰۲؛ نیمی، ۲۰۰۵). از آنجا که حق‌الزحمه شرکت حسابرسان معیاری از ریسک حسابرسان است، بنابراین می‌توان انتظار داشت در شرکت‌هایی که در محدوده همگرایی منافع مالکیت مدیریت قرار دارند، بین مالکیت مدیریتی و حق‌الزحمه شرکت حسابرسان رابطه غیر خطی وجود داشته باشد.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای مباحث مطرح شده در بخش ادبیات پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین و آزمون می‌گردد:
فرضیه اول: بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: بین مالکیت مدیریتی و حق‌الزحمه شرکت حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور شرکت‌هایی با شرایط زیر از جامعه آماری یعنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان دوره زمانی پژوهش (به استثنای فرابورس) حذف شده‌اند. (۱) حذف شرکت‌های غیرفعال، خارج شده از بورس یا وارد شده طی دوره زمانی پژوهش. (۲) حذف شرکت‌های مشمول تغییر سال مالی در قلمرو زمانی پژوهش. (۳) حذف هلدینگ‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، تأمین سرمایه، واسطه‌گری‌ها، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها. (۴) حذف شرکت‌های فاقد داده‌های کلیدی در تمام سال‌های قلمرو زمانی پژوهش. با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است. داده‌های مربوط به اندازه شرکت حسابرسان گزارش حسابرسان شرکت‌ها جمع‌آوری شده است. داده‌های مربوط به حق‌الزحمه حسابرسان از یادداشت‌های همراه بخش هزینه‌های عملیاتی جمع‌آوری شده است. داده‌های مالکیت مدیریتی و داده‌های حسابداری مورد نیاز به صورت دستی از گزارش سالانه شرکت‌ها جمع‌آوری شده است.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته اول - اندازه شرکت حسابرسی: اندازه شرکت حسابرسی معیاری برای کیفیت حسابرسی است. اگر حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام گردد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (لنوکس، ۲۰۰۵).

متغیر وابسته دوم - حق الزحمه شرکت حسابرسی: حق الزحمه حسابرسی معیاری برای ریسک حسابرسی است. از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی در سال مورد نظر به کسر حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی به عنوان شاخص اندازه‌گیری حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است.

متغیر مستقل - مالکیت مدیریتی: مالکیت مدیریتی توسط نسبت سهام در اختیار مدیران اجرای به کل سهام در اختیار هیئت مدیره اندازه‌گیری شده است (مورک و همکاران، ۱۹۸۸؛ لنوکس، ۲۰۰۵). مطابق با پژوهش لنوکس (۲۰۰۵)، برای مالکیت مدیریتی در مدل‌های رگرسیونی سه محدوده در نظر گرفته شده است. این نواحی شامل محدوده پایین همگرایی منافع مالکیت مدیریتی (کمتر از ۵ درصد)، محدوده استحکام منافع مالکیت مدیریتی (بین ۵ تا ۲۰ درصد)، و محدوده بالای همگرایی منافع مالکیت مدیریتی (بیشتر از ۲۰ درصد) است.

جدول (۱): تعریف متغیرهای پژوهش

نماد	متغیر	نحوه اندازه‌گیری
متغیر وابسته:		
اندازه شرکت حسابرسی	AUDITSIZE	حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.
حق الزحمه حسابرسی	AUDITFEE	لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی
متغیر مستقل:		
مالکیت مدیریتی	MOS	نسبت سهام مدیران اجرایی به کل سهام
	MOS_L	مالکیت مدیریتی در سطح پایین همگرایی منافع (کمتر از ۵ درصد)
	MOS_M	مالکیت مدیریتی در سطح استحکام منافع (۵ تا ۲۰ درصد)
	MOS_H	مالکیت مدیریتی در سطح بالای همگرایی منافع (بیش از ۵ درصد)
متغیر کنترلی:		
وجود کمیته حسابرسی	AC	شرکت دارای کمیته حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.
استقلال هیأت مدیره	INDPBD	نسبت تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره به کل تعداد اعضا
بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود خالص به میانگین کل دارایی‌های شرکت
نسبت جاری	CURRENT	نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری
جریان وجوه نقد آزاد	FCFO	نسبت تفاوت جریان نقد عملیاتی و مخارج سرمایه‌ای به دارایی‌های جاری
اهرم مالی	LEV	نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها
اظهار نظر حسابرسی	AUDITOPIN	گزارش حسابرسی شرکت تعدیل شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.
اندازه شرکت	FIRMSIZE	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
زیان	LOSS	سود خالص شرکت منفی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.

مدل‌های تجربی

به منظور بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی از مدل رگرسیون چند متغیره زیر با استفاده از روش لجستیک استفاده شده است.

$$\text{AUDITSIZE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{MOS}_{it} + \beta_2 \text{MOS_L}_{it} + \beta_3 \text{MOS_M}_{it} + \beta_4 \text{MOS_H}_{it} + \sum_{j=1}^9 \beta_j \text{Controls}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل رگرسیون (۱)، متغیر وابسته اندازه شرکت حسابرسی (AUDITSIZE)، معیار کیفیت حسابرسی است. در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود. متغیر مستقل مالکیت مدیریتی (MOS) توسط نسبت سهام مدیران اجرایی به کل سهام اندازه‌گیری شده است. متغیرهای کمیته حسابرسی (AC)، استقلال هیئت مدیره (INDPBD)، بازده دارایی‌ها (ROA)، نسبت جاری (CURRENT)، جریان وجوه نقد آزاد (FCFO)، اهرم مالی (LEV)، اظهار نظر حسابرسی (AUDITOPIN)، اندازه شرکت (FIRMSIZE)، زیان شرکت (LOSS)، متغیرهای کنترلی مدل رگرسیون (۱) هستند.

به منظور بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی از مدل رگرسیون چند متغیره زیر با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

$$\text{AUDITFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{MOS}_{it} + \beta_2 \text{MOS_L}_{it} + \beta_3 \text{MOS_M}_{it} + \beta_4 \text{MOS_H}_{it} + \sum_{j=1}^9 \beta_j \text{Controls}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل رگرسیون (۲)، متغیر وابسته حق الزحمه شرکت حسابرسی (AUDITSIZE)، معیار ریسک حسابرسی است و توسط لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی به کسر حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی اندازه‌گیری شده است. متغیر مستقل مالکیت مدیریتی (MOS) توسط نسبت سهام مدیران اجرایی به کل سهام اندازه‌گیری شده است. متغیرهای کمیته حسابرسی (AC)، استقلال هیئت مدیره (INDPBD)، بازده دارایی‌ها (ROA)، نسبت جاری (CURRENT)، جریان وجوه نقد آزاد (FCFO)، اهرم مالی (LEV)، اظهار نظر حسابرسی (AUDITOPIN)، اندازه شرکت (FIRMSIZE)، زیان شرکت (LOSS)، متغیرهای کنترلی مدل رگرسیون (۲) هستند.

در مدل‌های رگرسیونی مقاله مذکور برای کنترل تغییرات عوامل خرد اقتصادی طی زمان و صنعت، اثرات ثابت سال و صنعت از طریق متغیر مجازی برای سال و صنعت کنترل شده است. نحوه اندازه‌گیری تمام متغیرها در بخش‌های بالا وجود دارد.

نتایج تجربی

تحلیل تک متغیره

در جدول ۲ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین اندازه شرکت حسابرسی برابر مثبت ۰/۲۵۲ است که نشان می‌دهد تقریباً ۲۵ درصد شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند. میانگین حق الزحمه شرکت حسابرسی مثبت ۶/۴۱۲ است و نشان‌دهنده لگاریتم حق الزحمه شرکت‌های حسابرسی است. میانگین مالکیت مدیریتی شرکت برابر مثبت ۰/۱۷۷ است که نشان می‌دهد تقریباً ۱۷ درصد سهام شرکت‌های نمونه در اختیار مدیریت شرکت است.

در جدول ۳ همبستگی پیرسون و اسپیرمن به صورت دو به دو برای متغیرهای مدل رگرسیونی ارائه شده است. با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها (تحلیل تک متغیره) پرداخته می‌شود. با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می‌توان به بررسی دقیق‌تر این روابط پرداخت. ضرایب برای هر جفت متغیرهای مستقل زیر ۰/۷ است، بنابراین مشکل همخطی وجود ندارد. همچنین نتایج بدست آمده از محاسبه VIF نشان می‌دهد (کمتر از ۱۰ که در این مقاله ارائه نشده است) که همخطی بین متغیرها وجود ندارد.

برای خنثی کردن اثرات نقاط پرت در مدل رگرسیونی (OLS)، تمام متغیرهای پیوسته در محدوده ۱ درصد پایین و ۹۹ درصد بالا تعدیل شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اندازه شرکت حسابرسی (۱)	AUDITSIZE	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۴
حق الزحمه حسابرسی (۲)	AUDITFEE	۶/۴۱۲	۶/۳۸۶	۱۱/۸۷۹	۱/۰۹۹	۱/۵۵۴
مالکیت مدیریتی (۳)	MOS	۰/۱۷۷	۰/۱۹۰	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳
وجود کمیته حسابرسی (۴)	AC	۰/۶۶۷	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۱
استقلال هیئت مدیره (۵)	INDPBD	۰/۶۱۲	۰/۶	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷
بازده دارایی‌ها (۶)	ROA	۰/۱۳۳	۰/۱۱۰	۰/۵۶۴	-۰/۳۲۷	۰/۱۳۸
نسبت جاری (۷)	CURRENT	۱/۴۸۶	۱/۳	۳/۶۵۵	۰/۵۹۹	۰/۷۴۹
جریان جوه نقد آزاد (۸)	FCFO	۰/۱۰۹	۰/۰۹۸	۰/۳۷۰	-۰/۱۸۴	۰/۱۳۸
اهرم مالی (۹)	LEV	۰/۵۸۰	۰/۶۰۴	۰/۸۹۶	۰/۱۹۸	۰/۱۹۷
اظهار نظر حسابرسی (۱۰)	AUDITOPIN	۰/۵۱۹	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۹۹
اندازه شرکت (۱۱)	FIRMSIZE	۱۴/۳۸۹	۱۴/۲۳۲	۱۹/۷۷۴	۱۰/۵۳۳	۱/۴۸۲
زیان (۱۲)	LOSS	۰/۱۲۸	۰	۱	۰	۰/۳۳۵

توجه: جدول ۲ نشان‌دهنده آمار توصیفی ۱۳۱ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ است. AUDITSIZE بیانگر اندازه شرکت حسابرسی و معیار کیفیت حسابرسی است. در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود. ADITFEE بیانگر حق الزحمه حسابرسی و معیار ریسک حسابرسی است. توسط لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی اندازه‌گیری شده است. MOS بیانگر مالکیت مدیریتی شرکت است. توسط نسبت سهام عادی در اختیار مدیران اجرایی به کل سهام اندازه‌گیری می‌شود. AC بیانگر کمیته حسابرسی شرکت است. در صورتی که شرکت دارای کمیته حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود. INDPBD بیانگر استقلال هیئت مدیره شرکت است. توسط نسبت تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره به کل تعداد اعضا اندازه‌گیری می‌شود. ROA بیانگر بازده دارایی‌های شرکت است. توسط نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود. CURRENT بیانگر نسبت جاری شرکت است. توسط نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری اندازه‌گیری می‌شود. FCFO بیانگر جریان وجوه نقد آزاد شرکت است. توسط نسبت تفاوت جریان نقد عملیاتی و مخارج سرمایه‌ای به دارایی‌های جاری اندازه‌گیری می‌شود. LEV بیانگر اهرم مالی شرکت است. توسط نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود. AUDITOPIN بیانگر اظهار نظر حسابرسی شرکت است. در صورتی که گزارش حسابرسی شرکت تعدیل شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود. FIRMSIZE بیانگر اندازه شرکت است. توسط لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکا

اندازه‌گیری می‌شود. LOSS بیانگر زیان شرکت است. در صورتی که سود خالص شرکت منفی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود. همچنین متغیرهای کنترلی در سطح سال و صنعت نیز در نظر گرفته شده است.

جدول (۳): ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

(۱۲)	(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰/۰۰۴	-۰/۰۸۱**	۰/۰۳۶	۰/۱۶۴***	-۰/۰۴	-۰/۱۴۷***	-۰/۰۵۵	-۰/۰۴۶	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	-۰/۰۲۶	۱	(۱)
-۰/۱۲۱***	۰/۱۴۶***	-۰/۰۱۶	۰/۲۲۵***	۰/۲۱۵***	-۰/۱۵۳***	۰/۲۵۳***	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۵	۱	-۰/۰۴۷	(۲)
۰/۰۲۷	-۰/۰۲۷	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۸	-۰/۰۵۶	-۰/۰۱	-۰/۰۶۴*	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۵۴	(۳)
۰/۰۳۸	۰/۰۳۸	۰/۰۵۴	۰/۰۲۱	-۰/۱۵۴***	-۰/۰۸۹**	-۰/۱۸۶***	۰/۰۰۸	۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۴	(۴)
-۰/۰۰۲	۰/۰۱۹	۰/۰۵۲	-۰/۰۲۱	-۰/۰۱	-۰/۰۲۹	-۰/۰۰۴	۱	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۶	-۰/۰۵۵	(۵)
-۰/۵۱۷***	۰/۲۵۲***	۰/۰۳۳	-۰/۳۷***	۰/۹۰۲***	۰/۴۵۷***	۱	۰/۰۰۳	-۰/۱۹۹***	-۰/۰۶۹*	۰/۲۳۷***	-۰/۰۶۶*	(۶)
-۰/۳۱۶***	-۰/۰۸۸**	۰/۰۴۱	-۰/۷۲۱***	۰/۴۶۵***	۱	۰/۴۴۷***	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۹**	-۰/۰۲۴	-۰/۱۸۵***	-۰/۱۶۳***	(۷)
-۰/۴۶۹***	۰/۲۰۹***	۰/۰۴۲	-۰/۳۳۶***	۱	۰/۴۳۵***	۰/۸۹۴***	-۰/۰۰۴	-۰/۱۶۲***	-۰/۰۶۶*	۰/۲۱۷***	-۰/۰۴۷	(۸)
۰/۲۸***	۰/۰۸۱**	-۰/۰۶۴*	۱	-۰/۳۴۷***	-۰/۷۴۸***	-۰/۳۹۵***	-۰/۰۳۴	۰/۰۲۵	۰/۰۲۹	۰/۲۱۱***	۰/۱۶***	(۹)
-۰/۰۳۴	-۰/۰۰۳	۱	-۰/۰۶۴*	۰/۰۴۶	۰/۰۴۴	۰/۰۳۵	۰/۰۴۸	۰/۰۵۴	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۲	۰/۰۳۶	(۱۰)
-۰/۱۴۵***	۱	-۰/۰۲۶	۰/۰۸۳**	۰/۱۶۹***	-۰/۱۲۷***	۰/۲۰۵***	۰/۰۱۵	۰/۰۲۹	-۰/۰۲۴	۰/۸۸۴***	-۰/۱۰۱***	(۱۱)
۱	-۰/۱۱۷***	-۰/۰۳۴	۰/۲۷۶***	-۰/۴۸۱***	-۰/۲۴۸***	-۰/۴۷۸***	-۰/۰۲۲	۰/۰۳۸	۰/۰۲۶	-۰/۱۲۷***	۰/۰۰۴	(۱۲)

توجه: جدول ۳ نشان‌دهنده ماتریس همبستگی پیرسون - اسپیرمن (قسمت پایینی و بالایی جدول) متغیرها بین سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ است. **، *، *** نشان‌دهنده معناداری در سطح ۱۰٪، ۵٪، ۱٪ است.

تحلیل چند متغیره

به منظور آزمون فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول ۴ و ۵ با رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برآورد مدل در جدول ۴ با استفاده از الگوی رگرسیون لجستیک و برآورد مدل در جدول ۵ با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی انجام گرفته است. نتایج برآورد مدل‌ها در جدول ۴ و ۵ ارائه گردیده است.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)		متغیرها
AUDITSIZE	AUDITSIZE	AUDITSIZE	AUDITSIZE	C	مقدار ثابت
۳/۴۸۱** (۲/۶۴۳)	۳/۹۶۸*** (۲/۹۲۱)	۳/۵۹۳*** (۲/۶۴۳)	۳/۳۳۲** (۲/۴۲۵)		
-	-	-	۲/۰۹۳ (۱/۴۵۴)	MOS	مالکیت مدیریتی
-	-	-۱۴/۶۰۹ (-۱/۳۹۶)	-	MOS_L	مالکیت مدیریتی - پایین
-	-۲/۲۲۱** (-۲/۰۶۶)	-	-	MOS_M	مالکیت مدیریتی - میانه
۱/۰۲۲ (۱/۳۸۹)	-	-	-	MOS_H	مالکیت مدیریتی - بالا
۰/۲۲۷ (۱/۱۹۴)	۰/۲۳۱ (۱/۲۱۳)	۰/۲۲۷ (۱/۱۹۵)	۰/۲۲۱ (۱/۱۶۶)	AC	وجود کمیته حسابرسی
-۱/۲۷۵ (-۱/۶۱۷)	-۱/۲۷۶ (-۱/۶۱۵)	-۱/۲۴۰ (-۱/۵۷۸)	-۱/۲۵۶ (-۱/۵۹۴)	INDPBD	استقلال هیأت مدیره
۰/۳۲۶ (۰/۱۹۷)	۰/۴۰۲ (۰/۲۴۲)	۰/۱۶۱ (۰/۰۹۸)	۰/۱۸۰ (۰/۱۰۹)	ROA	بازده دارایی‌ها
-۰/۶۰۴*** (-۲/۸۴۴)	-۰/۶۳۹*** (-۲/۹۸۷)	-۰/۵۸۵*** (-۲/۷۴۵)	-۰/۶۱۵*** (-۲/۸۸۵)	CURRENT	نسبت جاری
۰/۸۰۷ (۰/۵۸۹)	۰/۸۰۰ (۰/۵۸۱)	۰/۸۵۴ (۰/۶۲۸)	۰/۸۹۸ (۰/۶۵۷)	FCFO	جریان جوه نقد آزاد

۱/۲۴۱* (۱/۸۶۱)	۱/۱۴۶* (۱/۷۱۶)	۱/۲۹۷* (۱/۹۳۴)	۱/۱۹۱* (۱/۷۷۷)	LEV	اهرم مالی
۰/۲۰۱ (۱/۱۷۱)	۰/۱۸۹ (۱/۰۹۹)	۰/۲۱۶ (۱/۲۵۸)	۰/۲۰۶ (۱/۲۰۲)	AUDITOPIN	اظهاری نظر حسابرسی
-۰/۲۸۸*** (-۳/۷۶۹)	-۰/۲۹۶*** (-۳/۸۹۲)	-۰/۲۹۲*** (-۳/۸۰۶)	-۰/۲۹۴*** (-۳/۸۶۳)	FIRMSIZE	اندازه شرکت
-۰/۴۵۴ (-۱/۵۵۷)	-۰/۴۵۰ (-۱/۵۴۰)	-۰/۴۶۶ (-۱/۶۰۰)	-۰/۴۶۰ (-۱/۵۷۸)	LOSS	زیان
YES	YES	YES	YES		اثرات ثابت سال
YES	YES	YES	YES		اثرات ثابت صنعت
۰/۰۵۹	۰/۰۶۱	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹		ضریب تعیین مک فادن

توجه: آماره Z گزارش شده در پرائنتز براساس خطاهای استاندارد خوشه بندی شده توسط شرکت و سال است. *،**،*** نشان دهنده معناداری در سطح ۱۰٪، ۵٪، ۱٪ است. تمام رگرسیونها شامل اثرات ثابت صنعت و سال است. همه متغیرهای پیوسته در بالا و پایین یک درصد تعدیل می‌شوند. ما همچنین در مطالعه خود متغیرهای کنترل سطح سال و سطح صنعت را اضافه کرده‌ایم.

ستون (۱) و (۲) و (۳) و (۴) از جدول (۴) نشان دهنده رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی به ترتیب مربوط به کل نمونه، مالکیت مدیریتی پایین، مالکیت مدیریتی میانه و مالکیت مدیریتی بالا است. در مدل‌های مذکور، AUDITSIZE بیانگر اندازه شرکت حسابرسی (معیاری برای کیفیت حسابرسی) و متغیر وابسته است. نتایج نشان می‌دهد که ضریب مالکیت مدیریتی میانه در سطح ۵ درصد معنادار است. مالکیت مدیریتی میانه دارای رابطه منفی با اندازه شرکت حسابرسی (کیفیت حسابرسی) است. با توجه به این نتایج، فرضیه اول وجود رابطه معنادار بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی پذیرفته می‌شود.

جدول (۵): نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)		متغیرها
AUDITFEE	AUDITFEE	AUDITFEE	AUDITFEE		
(-۶۶/۶۴۹) -۷/۶۷۸***	-۷/۶۱۲*** (-۶۵/۷۰۸)	-۷/۶۷۵*** (-۶۷/۲۰۹)	-۷/۷۰۸*** (-۶۴/۹۹۱)	C	مقدار ثابت
-	-	-	۰/۲۲۵ (۱/۶۰۵)	MOS	مالکیت مدیریتی
-	-	-۳/۶۱۸*** (-۴/۲۵۹)	-	MOS_L	مالکیت مدیریتی - پایین
-	-۰/۱۳۸* (-۱/۹۴۱)	-	-	MOS_M	مالکیت مدیریتی - میانه
۰/۱۴۴* (۱/۷۵۹)	-	-	-	MOS_H	مالکیت مدیریتی - بالا
-۰/۰۵۱** (-۲/۵۱۳)	-۰/۰۵۵*** (-۲/۶۶۸)	-۰/۰۵۰** (-۲/۴۹۹)	-۰/۰۵۴** (-۲/۵۳۴)	AC	وجود کمیته حسابرسی
-۰/۱۹۸* (-۱/۸۴۷)	-۰/۱۹۳* (-۱/۷۷۹)	-۰/۲۴۱** (-۲/۲۷۰)	-۰/۱۸۲** (-۱/۷۷۰)	INDPBD	استقلال هیأت مدیره
۰/۶۹۸** (۲/۲۳۸)	۰/۶۴۹** (۱/۹۷۲)	۰/۶۳۲* (۱/۸۹۴)	۰/۶۵۸** (۲/۰۵۵)	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۰۱۳ (۰/۶۶۱)	۰/۰۱۳ (۰/۷۰۱)	۰/۰۲۳ (۱/۳۲۷)	۰/۰۱۶ (۰/۸۸۶)	CURRENT	نسبت جاری
-۰/۵۳۴** (۲/۱۲۵)	۰/۵۴۴** (۲/۱۲۴)	۰/۵۸۹** (۲/۲۱۰)	۰/۵۵۳** (۲/۱۷۶)	FCFO	جریان جوه نقد آزاد
۱/۰۲۱*** (۱۴/۷۷۷)	۰/۹۹۸*** (۱۴/۴۵۷)	۱/۰۵۰*** (۱۴/۳۹۶)	۱/۰۱۵*** (۱۴/۳۷۷)	LEV	اهرم مالی
۰/۰۲۲ (۱/۲۱۴)	۰/۰۲۳ (۱/۱۶۷)	۰/۰۲۶ (۱/۴۰۳)	۰/۰۲۷ (۱/۴۰۹)	AUDITOPIN	اظهاری نظر حسابرسی
-۰/۹۳۶*** (۱۲۱/۲۷۱)	۰/۹۳۴*** (۱۲۵/۰۸۰)	۰/۹۳۷*** (۱۲۵/۱۸۷)	۰/۹۳۶*** (۱۲۳/۹۳۷)	FIRMSIZE	اندازه شرکت
-۰/۰۳۶ (-۰/۵۸۵)	-۰/۰۳۶ (-۰/۶۰۸)	-۰/۰۴۴ (-۰/۶۹۵)	-۰/۰۴۰ (-۰/۶۴۵)	LOSS	زیان

YES	YES	YES	YES	اثرات ثابت سال
YES	YES	YES	YES	اثرات ثابت صنعت
۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۷	ضریب تعیین تعدیل شده

توجه: آماره t گزارش شده در پرانتز براساس خطاهای استاندارد خوشه بندی شده توسط شرکت و سال است. *،**،***، نشان دهنده معناداری در سطح ۱۰٪، ۵٪، ۱٪ است. تمام رگرسیونها شامل اثرات ثابت صنعت و سال است. همه متغیرهای پیوسته در بالا و پایین یک درصد تعدیل می‌شوند. برای قبول یا رد استفاده از داده‌های پانل از آزمون فیشر استفاده کرده‌ایم. نتایج این آزمون، که در اینجا گزارش نشده است، وجود یک اثر مشترک را نشان می‌دهد و استفاده از رگرسیون مدل داده پولد را می‌پذیرد. ما همچنین در مطالعه خود متغیرهای کنترل سطح سال و سطح صنعت را اضافه کرده‌ایم.

ستون (۱) و (۲) و (۳) و (۴) از جدول (۴) نشان دهنده رابطه بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی به ترتیب مربوط به کل نمونه، مالکیت مدیریتی پایین، مالکیت مدیریتی میانه و مالکیت مدیریتی بالا است. در مدل‌های مذکور، AUDITFEE بیانگر حق الزحمه شرکت حسابرسی (معیاری برای ریسک حسابرسی) و متغیر وابسته است. نتایج نشان می‌دهد که ضریب مالکیت مدیریتی پایین، میانه و بالا به ترتیب در سطح ۱ درصد و ۱۰ درصد معنادار است. مالکیت مدیریتی پایین دارای رابطه منفی با حق الزحمه شرکت حسابرسی (ریسک حسابرسی) است. و مالکیت مدیریتی میانه و بالا دارای رابطه مثبت با حق الزحمه شرکت حسابرسی (ریسک حسابرسی) است. با توجه به این نتایج، فرضیه دوم وجود رابطه معنادار بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی ۱۳۱ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ از طریق رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی بررسی شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (شواهد پژوهش) نشان می‌دهد بر اساس فرضیه اول بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین همگرایی منافع مالکیت مدیریتی (میانه) شرکت و کیفیت حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. بنابراین در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. بین استحکام منافع مالکیت مدیریتی (پایین و بالا) شرکت و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه استحکام قرار گرفته (کمتر از ۵ درصد و یا بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، تغییر کیفیت حسابرسی معنادار نیست. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (شواهد پژوهش) نشان می‌دهد بر اساس فرضیه دوم بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه شرکت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین همگرایی منافع مالکیت مدیریتی (میانه) شرکت و ریسک حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. بنابراین در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی قرار گرفته (در سطح ۵ تا ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد. و بین استحکام منافع مالکیت مدیریتی (پایین) شرکت و ریسک حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. بنابراین در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه (بالا) شرکت و ریسک حسابرسی رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین در شرکت‌هایی که منافع مالکیت مدیریتی در منطقه

استحکام قرار گرفته (بیشتر از ۲۰ درصد) با افزایش مالکیت مدیریتی، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش فعلی منطبق با پژوهش‌های گذشته است که بیان می‌کند مالکیت مدیریتی با ارزش شرکت رابطه مثبت دارد تا زمانی که مدیریت به استحکام منافع می‌رسد، تقریباً با ۵۰ درصد، و مجدداً در سطوح مالکیت مدیریتی بیش از ۲۵ درصد، زیرا منافع مدیران با منافع سهامداران برون سازمانی منطبق می‌شود. در مقابل، بین سهامداری مدیریتی و عملکرد تقریباً بین ۵ تا ۲۵ درصد، منطقه استحکام منافع مالکیت مدیریتی، رابطه معکوس وجود دارد (مورک و همکاران، ۱۹۸۸). توافق گسترده‌ای در ادبیات وجود دارد که میزان منافع مالکیت مدیریتی در یک شرکت می‌تواند بر انگیزه‌های مدیریت در مورد نوع و کیفیت حسابداری تأثیر بگذارد. این می‌تواند بر تمایل شرکت‌ها برای حسابرسی با کیفیت بالاتر و ارزیابی ریسک مشتری توسط حسابرسان تأثیر بگذارد (وارفیلد و وایلد، ۱۹۹۵).

پژوهش حاضر دارای کاربردهای علمی و کاربردی نیز بوده است. پژوهش حاضر شواهد جدیدی را با آزمون رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه شرکت حسابرسی فراهم می‌نماید. پژوهش‌های قبلی فقط بر کل سطح مالکیت مدیریتی تمرکز داشته‌اند اما این پژوهش بر سطوح مختلف مالکیت مدیریتی تمرکز نمود. این پژوهش یکی از اولین مطالعاتی است که این رابطه را در کشورهای در حال توسعه آزمون می‌نماید. و پژوهشگران مختلفی می‌توانند در پژوهش‌های آتی از این مقاله استفاده نمایند. این پژوهش سهم مفیدی برای درک اهمیت کیفیت و ریسک حسابرسی دارد. این به سازمان‌ها کمک می‌کند تا از پارامترهایی که می‌توان کیفیت حسابرسی و عوامل تاثیرگذار بر آن را ارزیابی کرد، مطلع شوند. این یافته‌ها برای متولیان حرفه، مؤسسات حسابرسی و شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و سهامداران و سایر متقاضیان حسابرسی برای دستیابی به کیفیت حسابرسی از طریق برجسته کردن رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مهم است. نتایج نشان می‌دهد که ممکن است مؤسسات حسابرسی مقررات بیشتری را در مورد کیفیت حسابرسی شرکت‌ها در نظر بگیرند و توجه ویژه‌ای به کیفیت حسابرسی داشته باشند. متولیان حرفه (جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی) باید امکانات لازم برای بزرگ شدن شرکت‌های حسابرسی فراهم نمایند و نظام کنترل کیفیت اثر بخشی را در حرفه مستقر نمایند. شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر متقاضیان حسابرسی باید در انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابرسی دقت کافی داشته باشند.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است. اول، این پژوهش در شرکت‌های تولیدی ذکر شده در بورس سهام تهران انجام گرفته، بنابراین نتایج این پژوهش را نمی‌توان به شرکت‌های غیر تولیدی ذکر شده در سهام تهران تعمیم داد. دوم، عدم افشای اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش حاضر از جمله حق الزحمه حسابرسی در برخی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش را دشوارتر نمود. سوم، دوره زمانی پژوهش در برگیرنده بازه ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ است بنابراین در تعمیم نتایج به دوره‌های دیگر باید با احتیاط انجام گیرد.

پژوهش‌های آتی می‌تواند به جای اندازه حسابرس از معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی شرکت‌ها استفاده کرده و رابطه بین مالکیت مدیریتی و کیفیت حسابرسی و ریسک حسابرسی را بر اساس معیار مذکور بسنجد. یا از سطوح دیگری برای تقسیم‌بندی مالکیت مدیریتی استفاده نمایند.

منابع

- ✓ Abbott, L. J., Parker, S., Peters, G. F., & Raghunandan, K. (2003). An empirical investigation of audit fees, nonaudit fees, and audit committees. *Contemporary Accounting Research*, 20(2), 215-234.
- ✓ Bell, T. B., Landsman, W. R., & Shackelford, D. A. (2001). Auditors' perceived business risk and audit fees: Analysis and evidence. *Journal of accounting research*, 39(1), 35-43.

- ✓ Berger, P. G., Ofek, E., & Yermack, D. L. (1997). Managerial entrenchment and capital structure decisions. *The journal of finance*, 52(4), 1411-1438.
- ✓ Chan, K. H., Lin, K. Z., & Zhang, F. (2007). On the association between changes in corporate ownership and changes in auditor quality in a transitional economy. *Journal of International Accounting Research*, 6(1), 19-36.
- ✓ Chau, G., & Leung, P. (2006). The impact of board composition and family ownership on audit committee formation: Evidence from Hong Kong. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15(1), 1-15.
- ✓ Cheng, Q., & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The accounting review*, 80(2), 441-476.
- ✓ Choi, J.-H., Kim, C., Kim, J.-B., & Zang, Y. (2010). Audit office size, audit quality, and audit pricing. *Auditing: A Journal of practice & theory*, 29(1), 73-97.
- ✓ Choi, J. H., Kim, J. B., Liu, X., & Simunic, D. A. (2008). Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross- country evidence. *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 55-99.
- ✓ Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemporary Accounting Research*, 19(4), 573-594.
- ✓ Craswell, A. T., Francis, J. R., & Taylor, S. L. (1995). Auditor brand name reputations and industry specializations. *Journal of accounting and economics*, 20(3), 297-322.
- ✓ Davies, J., Hillier, D., & McColgan, P. (2005). Ownership structure, managerial behavior and corporate value. *Journal of corporate finance*, 11(4), 645-660.
- ✓ De Miguel, A., Pindado, J., & De la Torre, C. (2004). Ownership structure and firm value: New evidence from Spain. *Strategic Management Journal*, 25(12), 1199-1207.
- ✓ DeFond, M. L. (1992). The association between changes in client firm agency costs and auditor switching. *Auditing*, 11(1), 16.
- ✓ Desender, K. A., Aguilera, R. V., Crespi, R., & Garcíá- cestona, M. (2013). When does ownership matter? Board characteristics and behavior. *Strategic Management Journal*, 34(7), 823-842.
- ✓ Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.
- ✓ Fama, E. F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of political economy*, 88(2), 288-307.
- ✓ Fan, J. P., & Wong, T. J. (2002). Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia. *Journal of accounting and economics*, 33(3), 401-425.
- ✓ Farinha, J. (2003). Dividend policy, corporate governance and the managerial entrenchment hypothesis: an empirical analysis. *Journal of Business Finance & Accounting*, 30(9- 10), 1173-1209.
- ✓ Feldmann, D. A., & Schwarzkopf, D. L. (2003). The effect of institutional ownership on board and audit committee composition. *Review of Accounting and Finance*.
- ✓ Ferguson, A., Francis, J. R., & Stokes, D. J. (2003). The effects of firm- wide and office- level industry expertise on audit pricing. *The accounting review*, 78(2), 429-448.
- ✓ Ferguson, A., & Matolcsy, Z. (2004). Audit quality and post earnings announcement drift. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 11(2), 121-137.
- ✓ Francis, J. R., Reichelt, K., & Wang, D. (2005). The pricing of national and city- specific reputations for industry expertise in the US audit market. *The accounting review*, 80(1), 113-136.
- ✓ Francis, J. R., & Wilson, E. R. (1988). Auditor changes: A joint test of theories relating to agency costs and auditor differentiation. *Accounting Review*, 663-682.
- ✓ Gotti, G., Han, S., Higgs, J. L., & Kang, T. (2012). Managerial stock ownership, analyst coverage, and audit fee. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 27(3), 412-437.

- ✓ Griffin, P. A., Lont, D. H., & Sun, Y. (2008). Corporate governance and audit fees: Evidence of countervailing relations. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 4(1), 18-49.
- ✓ Gul, F. A. (1999). Audit prices, product differentiation and economic equilibrium. *Auditing: A Journal of practice & theory*, 18(1), 90-100.
- ✓ Gul, F. A., Chen, C. J., & Tsui, J. S. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441-464.
- ✓ Gul, F. A., & Tsui, J. S. (2001). Free cash flow, debt monitoring, and audit pricing: Further evidence on the role of director equity ownership. *Auditing: A Journal of practice & theory*, 20(2), 71-84.
- ✓ Hay, D., Knechel, W. R., & Ling, H. (2008). Evidence on the impact of internal control and corporate governance on audit fees. *International Journal of Auditing*, 12(1), 9-24.
- ✓ Hay, D. C., Knechel, W. R., & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta- analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141-191.
- ✓ Helliar, C., Lyon, B., Monroe, G. S., Ng, J., & Woodliff, D. R. (1996). UK AUDITORS' PERCEPTIONS OF INHERENT RISK. *The British Accounting Review*, 28(1), 45-72.
- ✓ Himmelberg, C. P., Hubbard, R. G., & Palia, D. (1999). Understanding the determinants of managerial ownership and the link between ownership and performance. *Journal of Financial Economics*, 53(3), 353-384.
- ✓ Ho, S. S., & Wong, K. S. (2001). A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 10(2), 139-156.
- ✓ Holderness, C. G., & Sheehan, D. P. (1991). Monitoring an owner: The case of Turner Broadcasting. *Journal of Financial Economics*, 30(2), 325-346.
- ✓ Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76(2), 323-329.
- ✓ Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-365.
- ✓ Kim, E. H., & Lu, Y. (2011). CEO ownership, external governance, and risk-taking. *Journal of Financial Economics*, 102(2), 272-292.
- ✓ Kole, S. R. (1995). Measuring managerial equity ownership: a comparison of sources of ownership data. *Journal of corporate finance*, 1(3-4), 413-435.
- ✓ Larcker, D. F., & Richardson, S. A. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices, and corporate governance. *Journal of accounting research*, 42(3), 625-658.
- ✓ Lennox, C. (2005). Management ownership and audit firm size. *Contemporary Accounting Research*, 22(1), 205-227.
- ✓ Leventis, S., Weetman, P., & Caramanis, C. (2011). Agency costs and product market competition: The case of audit pricing in Greece. *The British Accounting Review*, 43(2), 112-119.
- ✓ Lin, Z. J., & Liu, M. (2013). The Effects of Managerial Shareholding on Audit Fees: Evidence from H ong K ong. *International Journal of Auditing*, 17(3), 227-245.
- ✓ Linden, P., & Matolcsy, Z. (2004). Corporate governance scoring systems: what do they tell us? *Australian Accounting Review*, 14(32), 9-16.
- ✓ McConnell, J. J., & Servaes, H. (1990). Additional evidence on equity ownership and corporate value. *Journal of Financial Economics*, 27(2), 595-612.
- ✓ Morck, R., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1988). Management ownership and market valuation: An empirical analysis. *Journal of Financial Economics*, 20, 293-315.
- ✓ Navissi, F., & Naiker, V. (2006). Institutional ownership and corporate value. *Managerial Finance*.
- ✓ Niemi, L. (2005). Audit effort and fees under concentrated client ownership: Evidence from four international audit firms. *The international journal of accounting*, 40(4), 303-323.

- ✓ Nikkinen, J., & Sahlström, P. (2004). Does agency theory provide a general framework for audit pricing? *International Journal of Auditing*, 8(3), 253-262.
- ✓ O'sullivan, N. (2000). The impact of board composition and ownership on audit quality: evidence from large UK companies. *The British Accounting Review*, 32(4), 397-414.
- ✓ Rainsbury, E. A., Bradbury, M., & Cahan, S. F. (2009). The impact of audit committee quality on financial reporting quality and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 5(1), 20-33.
- ✓ Schooley, D. K., & Barney Jr, L. D. (1994). Using dividend policy and managerial ownership to reduce agency costs. *Journal of Financial Research*, 17(3), 363-373.
- ✓ Shan, Y. G., & Troshani, I. (2014). Does XBRL benefit financial statement auditing? *Journal of Computer Information Systems*, 54(4), 11-21.
- ✓ Shan, Y. G., & Troshani, I. (2016). The effect of mandatory XBRL and IFRS adoption on audit fees: Evidence from the Shanghai Stock Exchange. *International Journal of Managerial Finance*.
- ✓ Shan, Y. G., Troshani, I., & Richardson, G. (2015). An empirical comparison of the effect of XBRL on audit fees in the US and Japan. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 89-103.
- ✓ Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52(2), 737-783.
- ✓ Short, H., & Keasey, K. (1999). Managerial Ownership and the Performance of Firms: Evidence from the UK. *Journal of corporate finance*, 5(1), 79-101.
- ✓ Simunic, D. A., & Stein, M. T. (1996). Impact of litigation risk on audit pricing: A review of the economics and the evidence. *Auditing*, 15, 119.
- ✓ Warfield, T. D., Wild, J. J., & Wild, K. L. (1995). Managerial ownership, accounting choices, and informativeness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 20(1), 61-91.
- ✓ Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1983). Agency problems, auditing, and the theory of the firm: Some evidence. *The journal of law and Economics*, 26(3), 613-633.